

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال شانزدهم / دوره جدید / شماره ۵۵ / بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص ۱۰۷-۱۱۸ (مقاله پژوهشی)

حکم برپایه جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) از دیدگاه اهل سنت

• مرتضی قاسمی حامد

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول)

m.ghasemihamed@mazaheb.ac.ir

• ایوب شافعی پور

کارشناس ارشد فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی

ayoubshafei@yahoo.com

• مجتبی شیرانی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

saheb.alamr@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۵

چکیده

یکی از مسائل اختلافی میان علمای اهل سنت که برخی آن را بدعت تلقی کرده‌اند، برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که حکم برپایی جشن در زادروز پیامبر(ص) چیست؟ پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی در پی یافتن پاسخ این پرسش در منابع مذاهب چهارگانه اهل سنت است. از بررسی منابع این نتیجه حاصل می‌شود که اکثر قریب به اتفاق اهل سنت قائل به جواز برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) هستند و ادله عدم جواز، ضعیف و قابل رد و خدشه است. بر فرض که ادله جواز نیز قابل خدشه باشد، تنها یک دلیل برای جواز جشن میلاد کافی است و آن ضرورتی به نام وحدت امت اسلامی است که یکی از راههای محقق شدن آن، برپایی هرساله جشن میلاد پیامبر(ص) در اقصی نقاط سرزمینهای اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: مولودی خوانی، جشن، میلاد پیامبر(ص)، سلفیه، اهل سنت، وحدت اسلامی.





مقدمه

جواز یا عدم جواز برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص)، همواره میان فقها و علمای اهل سنت به مجالی برای بحث و حتی مناظره‌ها و گفتگوها تبدیل شده است. مطالب متفرقه‌ای که در سایتهای اینترنتی وجود دارد و کتابچه‌های مختصری که برخی از علمای اهل سنت به خصوص معاصران آنها در این باره به رشته تحریر درآورده‌اند، بیشتر متعلق به مانعان برپایی جشن می‌باشد که می‌توان گفت اکثر آنها مفتیان و علمای سخت‌گیر و سلفی معاصر کشور عربستان سعودی هستند. در صدر آنها می‌توان به علمای معاصری همچون: عبدالعزیز بن باز، محمد صالح عثیمین، عبدالله بن جبرین، صالح بن فوزان، حمود بن عبدالله تویجری و عبدالرحمن بن حسن آل الشیخ اشاره کرد. از علمای قدیم نیز که قائل به عدم جواز هستند، می‌توان تاج‌الدین فاکهانی (د ۷۳۴ق) اهل اسکندریه مصر و تقی‌الدین مقریزی (د ۸۵۴ق) اهل قاهره مصر را نام برد.

از آنجا که یک تحقیق جامع و علمی پیرامون حکم این فعل در مجلات علمی فارسی‌زبان منتشر نشده است و با توجه به اهمیت و ضرورت آن، این پژوهش در صدد است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی ادله مانعان و موافقان برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) بپردازد و ضمن نقد و ارزیابی ادله، حکم آن را بیان نماید.

ادله عدم جواز

۱) قرآن کریم

خداوند می‌فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛^۱ «آنچه را رسول خدا برای شما آورده بپذیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است».

طبق فرموده آیه باید به آنچه پیامبر(ص) امر کرده و

برای مسلمانان معرفی کرده (آتَاكُمُ)، عمل شود و از آنچه ایشان نهی فرموده (نَهَاكُمْ)، اجتناب گردد. برپایی جشن و مولودی‌خوانی به مناسبت میلاد پیامبر(ص) چیزی است که خود پیامبر(ص) به آن سفارش نکرده است.

در جواب می‌توان گفت: اولاً؛ این آیه به موضوع بحث ارتباط ندارد. ثانیاً؛ بر فرض ارتباط آیه با موضوع بحث، آیه بیانگر این است که از آنچه پیامبر(ص) نهی کرده، پرهیز شود، در حالی که پیامبر(ص) در هیچ نصی از مولودی‌خوانی و برپایی جشن به مناسبت میلاد خودش نهی نکرده است. ثالثاً؛ ممکن است گفته شود چون پیامبر(ص) این عمل را ترک کرده، پس این عمل، منهی عنه است. در صورتی که آیه نگفته است: «و ما ترکه فانتَهُوا عنه»، و ترک یک چیز بر تحریم آن دلالت ندارد. این روایت نیز گویای آن است: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ (ص)، قَالَ: فَإِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَاجْتَنِبُوهُ، وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ»؛^۲ «هرگاه شما را از چیزی منع نمودم از آن دوری کنید و اگر به چیزی فرمان دادم، تا جایی که می‌توانید به آن پایبند باشید».

۲) روایات نبوی

- روایت عایشه: «عَنْ عَائِشَةَ (رض)، قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ، فَهُوَ رَدٌّ»؛^۳ «کسی که در امر ما (دین ما) چیزی را نوآوری کند که جزء آن نیست، آن چیز مردود است».

با توجه به این روایت، چیزی که در دین وجود نداشته و کسی آن را را وارد دین کند، بدعت و نوآوری در دین است و آن چیز و جاهت شرعی و دینی نداشته و مردود است. مولودی‌خوانی و برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) هم نوعی بدعت و نوآوری در دین است؛ زیرا چنین عملی نه در نصوص و متون دینی و نه از پیامبر(ص) و اصحابش ثابت نشده و چیزی جز ساخته تفکر برخی نیست و طبق فرمایش پیامبر(ص)، می‌توان گفت مولودی‌خوانی و برپایی جشن مردود و بدعت است.

۲. صحیح البخاری، ج ۹، ص ۹۴؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۳۰.

۳. صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۸۴؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۴۳.

در جواب می‌توان گفت: اولاً؛ روایت مذکور به بحث مولودی‌خوانی و جشن میلاد پیامبر(ص) ارتباط ندارد. ثانیاً؛ اکثر مذاهب اسلامی این روایت را ناظر بر بحث توقیفی بودن عبادات^۴ ذکر کرده‌اند و روایت ناظر بر این قاعده فقهی است: «الأصل فی العبادات التوقیف». خود ابن تیمیه نیز به آن معتقد است.^۵

ممکن است این ادعا را بیان کنند که مولودی‌خوانی نوعی عبادت نزد قائلان آن به شمار می‌رود، پس این روایت و قاعده فقهی بر آن بار می‌شود. در جواب می‌توان گفت: تا به حال هیچ‌یک از قائلان به جواز برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) این ادعا را بیان نکرده که مولودی‌خوانی و برپایی جشن یک نوع عبادت است، مانند نماز، روز و حج، بلکه آنان این امر را بنا بر دلایلی (که در ادامه بیان خواهد شد)، امری خدایسند، مستحب و پسندیده می‌دانند، در حالی که روایت و قاعده فقهی ناظر بر عبادات به مفهوم عام آن است، مانند نماز، روز، حج و زکات.

- روایت جابر: «عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: ... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): ... فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَ خَيْرُ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٍ، وَ شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَ كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»؛ «همانا بهترین سخن، کتاب خداست و بهترین رهنمود، رهنمود محمد(ص) است و بدترین امور، بدعت (نوآوری در دین) است و هر بدعت گمراهی است».

قائلان به عدم جواز، به روایت مذکور استدلال ورزیده‌اند و معتقدند همان‌گونه که پیامبر(ص) در روایت بدعت و نوآوری در دین را بدترین امور و گمراهی دانسته، مولودی‌خوانی و برپایی جشن به مناسبت میلاد ایشان، از آنجا که فاقد صبغه و رنگ و بوی دینی و خارج از نصوص و متون دین بوده، اختراع و نوآوری در دین تلقی می‌شود و به فرموده پیامبر(ص) گمراهی است.

در جواب می‌توان گفت: آنچه از روایت فهمیده می‌شود، این است که انسان مسلمان نباید از چهارچوب، قاعده و اصول و مقاصد دین و شارع خارج شود و پا را فراتر نهد و روایت هرگز به فروعات اشاره‌ای نداشته است؛ چه بسا اگر به روایت به این چشم نگاه شود که روایت ناظر بر فروعات دین یا برخی مسائل مستحدثه و مسائل روز است، دیگر زندگی کردن بر پایه شرع سخت و حتی ناممکن است و دیگر هر چیزی بدعت و گمراهی به شمار خواهد آمد، در حالی که پیامبر(ص) در روایتی مشهور فرموده است: «أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِأَمْرِ دُنْيَاكُمْ»؛^۶ «شما به امور دنیوی خودتان آگاه‌ترید».

در اینجا، ذکر چند نکته حائز اهمیت است:

نکته اول: با دقت در کتب فقها و اصولیان مذاهب اهل سنت فهمیده می‌شود بدعتی که دین از آن نبی کرده، باید حداقل دارای دو شرط باشد، تا بتوان آن را بدعت و گمراهی نامید: ۱- آن حادثه، واقعه و مسئله در صدر اسلام و زمان پیامبر(ص) موجود نباشد. ۲- آن حادثه، واقعه و مسئله با اصلی از اصول دین در تناقض باشد. پس هنگامی که این دو شرط در چیزی یافت شد، می‌توان گفت بدعت و گمراهی در پی دارد و شامل «كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ» خواهد شد.

نکته دوم: اصولیان، سنت را شامل قول، فعل و تقریر پیامبر(ص) می‌دانند و هرگز کسی ادعا نکرده است که «ترک» نیز شامل سنت می‌شود و هر آنچه پیامبر(ص) ترک کرده، به منزله گناه و بدعت است و ما نیز باید آن را ترک کنیم. ممکن است برخی ادعا کنند تقریر و سکوت پیامبر(ص) نسبت به موضوعی، بر غیرمشروع بودن آن چیز یا موضوع دلالت دارد. در جواب می‌توان گفت: اولاً؛ اگر چیزی ناپسند و غیرمشروع باشد، حتماً پیامبر(ص) آن را بیان خواهد کرد و بندگان را دچار سردرگمی نخواهد کرد و هرگز این شائبه نسبت به پیامبر(ص) روا نیست که گفته شود ایشان چیزی را که خداوند نامشروع اعلام کرده، در قبالش سکوت اختیار نموده باشد و به بندگان اعلام نکند. ثانیاً؛ طبق قاعده فقهی «لا ینسب للساکت

۴. توقیفی بودن عبادات؛ یعنی مشروعیت آنها منوط به بیان و اعلام شارع مقدس است و عبادت شمردن عملی که شارع آن را عبادت قرار نداده، بدعت و حرام است.

۵. الفتاوی الکبری، ج ۴، ص ۱۳؛ القواعد النورانیة الفقهیة، ص ۱۶۴؛ مجموع الفتاوی، ج ۲۹، ص ۱۷؛ الآداب الشرعیة، ج ۲، ص ۲۷۵.

۶. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۵۹۲.

۷. همان، ج ۴، ص ۱۸۳۶.





قول»^۸ نمی‌توان به شخص ساکت رأی یا نظری را نسبت داد؛ پس شما چطور و از روی چه قاعده‌ای عدم جواز میلاد پیامبر(ص) را به ایشان نسبت می‌دهید. ممکن است باز ادعا شود همان‌طور که ما نمی‌توانیم از تقریر و سکوت پیامبر(ص) عدم جواز این مسئله را برداشت کنیم، شما هم نمی‌توانید جواز آن را برداشت کنید. در پاسخ می‌توان گفت: سکوت معصوم یعنی پیامبر(ص) حکم نطقی صریح را دارد و به همین دلیل است که تقریر ایشان و اجماع سکوتی از نظر اکثریت فقها و اصولیان حجت شرعی به شمار می‌آید.

نکته سوم: اصولیان حکم را «خطاب الله» دانسته‌اند و این خطاب الله می‌تواند از منابعی همچون قرآن، سنت، اجماع و قیاس باشد و هرگز کسی چیزی به نام «ترک فعل» پیامبر(ص) را جزء این منابع ذکر نکرده است. نکته چهارم: ابن تیمیه می‌گوید: اینکه عمر بن خطاب آن را انجام داد، سنت است (اشاره به اینکه خلیفه دوم دستور داد نماز تراویح^۹ را که در زمان پیامبر(ص) انفرادی خوانده می‌شد، به جماعت بخوانند)، و سپس می‌گوید: این چه بدعت نیکویی است، و در ادامه در مورد علت به کار بردن لفظ بدعت در جمله خود می‌گوید: منظور از بدعت در اینجا، بدعت به معنای لغوی است (یعنی بدعت اصطلاحی و شرعی^{۱۰} منظور نمی‌باشد)؛ زیرا خلیفه دوم کاری را انجام داده که در زمان پیامبر(ص)

۸. الأم، ج ۱، ص ۱۷۸.

۹. به نمازهایی اطلاق می‌شود که اهل سنت در شبهای ماه مبارک رمضان پس از نماز عشاء به جماعت می‌خوانند.
۱۰. علما و اصولیان بدعت را دو نوع می‌دانند: (۱) بدعت لغوی (۲) بدعت اصطلاحی یا شرعی. اگر کسی بین این دو تفاوت قائل نشود، به کج فهمیها و اشتباهات زیادی دچار خواهد شد. منظور از بدعت لغوی، بدعت و نوآوری‌ای است که در شرع نكوهیده و مذموم نشده است. اما بدعت شرعی و اصطلاحی به راه و طریقه‌ای در دین اطلاق می‌شود که به تقلید از راه و طریقه شرعی ابداع شده و منظور از انجام آن، زیاده‌روی در پرستش و عبادت خداوند است (ر.ک: الاعتصام، ج ۱، ص ۵۰). با توجه به تعریف ذکر شده و همچنین قاعده فقهی «الأصل فی العبادات التوقیف و الأصل فی العادات الإباحة»، می‌توان گفت تنها عبادات زیرمجموعه بدعت مذموم وارد می‌شوند و عادات و رسوم در آن جایی ندارند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: جامع العلوم و الحکم، ج ۲، ص ۱۲۷؛ السنن الکبری، ج ۴، ص ۴۰۸).

نبوده است.^{۱۱}

پس ابن تیمیه در خصوص نوآوری خلیفه دوم، قائل به بدعت بودن آن از نوع لغوی است؛ چه بسا اگر به بدعت به معنای شرعی آن قائل بود، می‌بایست خلیفه دوم را تکفیر می‌کرد. حال گفته می‌شود آنها که قائل به جواز برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) هستند نیز آن را نوعی بدعت لغوی و پسندیده می‌دانند و دیگر اشکالی باقی نمی‌ماند.

این روایت نبوی نیز به موضوع فوق اشاره دارد: «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً، فَلَهُ أَجْرُهَا، وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ، وَ مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً، كَانَ عَلَيْهِ وَزْرُهَا وَ وَزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ»^{۱۲} «هرکس در اسلام، روش نیکویی را پایه‌گذاری نماید، پاداش آن و پاداش عمل کسانی که بعد از او به آن عمل نمایند، به او می‌رسد، بدون اینکه از پاداش بعدیها چیزی بکاهد و هرکس در اسلام، روش بدی را پایه‌گذاری نماید، گناه آن و گناه کسانی که بعد از او به آن عمل کنند، به او می‌رسد بدون اینکه از گناهان بعدیها چیزی بکاهد».

نکته پنجم: ابن تیمیه درباره مولودی‌خوانی و برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) می‌گوید: کسانی که از باب بزرگداشت و محبت پیامبر(ص) چیزی را به عنوان جشن میلاد پیامبر(ص) اختراع کردند، خداوند آنها را به خاطر این محبت و اجتهاد، اجر و پاداش می‌دهد و نه به خاطر بدعت آن. همچنین می‌گوید: ممکن است برخی از مردم آن را انجام دهند و به خاطر خلوص و حسن نیت و احترام پیامبر(ص)، در آن اجر بزرگی باشد، اما برای برخی از مردم چیزهایی روا و نیک است که برای مؤمن مقید و درستکار شایسته نیست.

در یک نگاه کلی و اجمالی به حرفهای ابن تیمیه راجع به موضوع برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص)، می‌توان گفت: ابن تیمیه به طور صریح و قطعی آن را رد نکرده، بلکه برای فاعل و انجام دهنده جشن میلاد

۱۱. الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۹۸.

۱۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۰۴.



ادله شرعی مانند قرآن، سنت، اجماع و ... در تضاد نیست، می‌توان آن را بدعت نیکو و پسندیده دانست، مانند قیام رمضان که عمر بن خطاب آن را به صورت جماعت تشریح کرد.^{۱۵}

ج) نبود دلیلی پیرامون اینکه پیامبر (ص) ولادت خود را جشن می‌گرفت و اهل بیت (ع) و یارانش را نیز به آن دستور می‌داد.

در جواب می‌توان گفت: روایات همگی بر این امر گواهی می‌دهند که پیامبر (ص) با روزه گرفتن در روز میلاد خود، آن روز را بزرگ و گرامی می‌داشت.

د) برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر (ص) بدین خاطر اشکال دارد که همان روز نیز روز وفات ایشان است.

در جواب می‌توان گفت: اولاً؛ درست است که قول مشهور اهل سنت در مورد وفات پیامبر (ص)، همان ۱۲ ربیع الأول است،^{۱۶} اما مورخان نیز تاریخهای دیگری برای وفات او

ذکر کرده‌اند و نمی‌توان به یقین گفت که وفات ایشان ۱۲ ربیع الأول اتفاق افتاده است.^{۱۷} ثانیاً؛ میلاد پیامبر (ص) از بالاترین و بزرگ‌ترین نعمتهایی است که خداوند آن را به مسلمانان اعطا کرده است، در حالی که وفات ایشان

بزرگ‌ترین مصیبتها است. شریعت اسلامی در مقابل نعمتها، دستور به اظهار و شکرگزاری نعمتها داده، اما در

مقابل مصائب صبر را تجویز کرده است. از مصادیق اظهار و شکر در مقابل نعمتها که همگی فقها بر آن اتفاق دارند، مسئله عقیقه هنگام به دنیا آمدن فرزند است. در حالی که

شریعت هنگام مصیبت نفرموده که عقیقه کنید و مصیبت را اظهار کنید. پس همه اینها گواه بر اذن شارع برای اظهار شادی و برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر (ص) است.

ه) برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر (ص) بدین خاطر اشکال دارد که در آن روز و شب، کارهای خلاف شرع توسط برخی انجام می‌شود و به خاطر جلوگیری از آن منکرات باید آن را جشن نگرفت.

در جواب می‌توان گفت: به طور کلی راه جلوگیری از

پیامبر (ص) در صورت حسن و خلوص نیت، ثواب و اجر عظیمی را قائل شده است. آنان که خود را پیرو سلف صالح می‌دانند، در اینجا که این تیمیه جشن میلاد را به صراحت رد نکرده و حتی برای کسی که آن را انجام می‌دهد، ثواب و اجر در نظر گرفته، چگونه با صراحت و قطع یقین آن را حرام و بدعت و گمراهی می‌دانند!

نکته ششم: محدث بزرگ، مجدالدین بن اثیر (د ۶۰۶ق) برادر مورخ بزرگ و معروف ابن اثیر، می‌گوید: دو نوع بدعت وجود دارد، بدعت هدایت کننده (پسندیده) و بدعت گمراه کننده (ناپسند) ... پس نمی‌توان گفت همه انواع بدعت، گمراهی است؛ زیرا اگر چیزی را در شرع عرضه کنیم که با چهارچوب شرع مشکلی نداشته باشد، بدعت پسندیده بوده و حتی اجر هم دارد، طبق این فرموده پیامبر (ص): «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً...»^{۱۳}.

۳) عقل

مخالفان برپایی جشن به چند دلیل عقلی استناد ورزیده‌اند: الف) اولین کسانی که به مناسبت میلاد پیامبر (ص) جشن برپا کردند و این بدعت را برپا نهادند، فاطمیان در مصر بودند. تقی‌الدین مقریزی که خود از مخالفان برپایی جشن میلاد پیامبر (ص) می‌باشد، آن را در کتاب خود ذکر کرده است.^{۱۴}

در جواب می‌توان گفت: اینکه گفته‌اند فاطمیان اولین کسانی بودند که میلاد پیامبر (ص) را جشن گرفتند، دلیلی بر منع آن نمی‌شود؛ زیرا پیامبر (ص) روزی را که موسی و قومش در آن پیروز شده بودند، بزرگ و نیکو داشته است.

ب) جشن میلاد پیامبر (ص) بدعت است و پیامبر (ص) فرمود: هر بدعتی گمراهی است.

در جواب می‌توان گفت: اینکه هر چیزی را بدعت و گمراهی بدانیم، امری اشتباه است؛ در این مورد امام شافعی می‌گوید: چیزی که در دین به وجود آمده و حادث شده است، از دو حالت خارج نیست: الف) مخالف قرآن، سنت، آثار و اجماع است؛ پس این همان بدعت و گمراهی

است.^۲ به خاطر خیر و خوبی ایجاد شده و با هیچ‌یک از

۱۵. سیر أعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۷۰.

۱۶. رک: البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۲۵۶.

۱۷. الروض الأنف، ج ۷، ص ۵۷۸.

۱۳. النهایة، ج ۱، ص ۱۰۶.

۱۴. المواعظ و الاعتبار، ج ۲، ص ۴۳۶.



برخی منکرات در برخی مناسبات، تعطیلی آن مناسبات و جشنها نیست، بلکه باید جلوی آن کارهای خلاف شرع را گرفت و از آن نهی کرد. همان گونه که شارع مقدس جشن عروسی را منع نکرده، بلکه از کارهایی که خلاف شرع است و در مراسمهای عروسی انجام می‌گیرد، بر حذر داشته است. اگر قائل به این باشیم که به خاطر رخ دادن کارهای منکراتی و خلاف شرع، جلوی برخی مراسمها گرفته شود، در وهله اول باید دو عید باشکوه مسلمانان یعنی عید فطر و قربان را برگزار نکرد؛ زیرا هستند کسانی که در آن روز به خاطر شادی و خوشحالی دچار برخی منکرات و فواحش می‌شوند. در حالی که دستور صریح شرع و اجماع قطعی مسلمانان بر این است که این دو عید را باید برگزار کرد. به گفته ابن حجر عسقلانی شافعی (د ۸۵۲ق)، در جشن میلاد پیامبر(ص)، شایسته است این امور انجام شود: شکر و سپاس خداوند متعال به شکرانه تولد پیامبر(ص)، تلاوت قرآن، غذا دادن و اطعام کردن، صدقه دادن، و خواندن سرودهایی در وصف پیامبر(ص)، تا محرک و سببی باشد برای انجام دادن کارهای خیر.^{۱۸} و برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) بدین خاطر اشکال دارد که هیچ‌یک از صحابه و تابعان آن را انجام نداده‌اند.

در جواب می‌توان گفت: اولاً؛ مشروعیت و مقبولیت یک عمل یا فعل، به قول و فعل صحابی و تابعی وابسته نیست؛ زیرا حجیت قول صحابی میان اهل سنت محل اختلاف است و قول راجح آن است که قول صحابی، حجت نیست، چه رسد به حجیت قول تابعی.^{۱۹} ثانیاً؛ ثابت شده است که امام مالک، با سواری به مدینه وارد نمی‌شد (با پای پیاده وارد می‌شد) و در این مورد می‌گفت: از خداوند خجالت می‌کشم، بر روی خاکی که پیامبر(ص) بر آن پا گذاشته، با سواری راه بروم.^{۲۰} از آنجا که این عمل امام مالک را هیچ‌کدام از صحابه و تابعان انجام نداده‌اند، آیا می‌توان گفت کار امام مالک بدعت و گمراهی است؟

۱۸. به نقل از: الحاوی للفتاوی، ج ۱، ص ۲۲۹.

۱۹. رک: الرسالة، ص ۳۸۶؛ المستصفی، ص ۱۶۵؛ الوجیز، ص ۲۶۲.

۲۰. ترتیب المدارک، ج ۲، ص ۵۳.

ثالثاً؛ طبق تحقیق پژوهشگران مقاله حاضر، ابن تیمیه در طول عمر خود هیچ وقت ازدواج نکرده است، در حالی که صحابه و تابعان به این سنت پیامبر(ص) پایبند بوده‌اند و پیامبر(ص) درباره سنت خود تأکید داشته است: «فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي». از آنجا که ابن تیمیه از یکی از سنتهای پیامبر(ص) سر باز زده و از آن روی گردان شده، آیا می‌توان گفت ابن تیمیه نیز کافر بوده است؟! رابعاً؛ در روایتی از ابن عمر از ایشان در مورد نماز چاشت (صلاة الضحی) سؤال شد، ایشان فرمود: «صَلَاةُ الضُّحَى بَدْعَةٌ، وَ نِعْمَتِ الْبِدْعَةُ»؛^{۲۱} «نماز چاشت بدعت است و چه نیکو بدعتی است». از روایت مذکور فهمیده می‌شود که بدعت هم خوب و بد دارد و نمی‌توان گفت مولودی خوانی و جشن میلاد پیامبر(ص) بدعت به معنای منفی آن است، بلکه بدعتی نیک و پسندیده است.

سید محمد بن علوی از علمای مالکیه در این مورد گفته است: این پندار غلطی است که گفته شود: هر عملی که سلف صالح انجام نداده‌اند و در صدر اول اسلام نبوده است، بدعتی زشت و گناه و انجام آن حرام می‌باشد و واجب است از انجام آن ممانعت و جلوگیری شود. روش صحیح در این باره این است که آنچه تازه پدید آمده است، بر دلایل شرعی عرضه شود، هر آنچه شامل مصلحتی باشد، پس واجب است، یا اگر شامل حرامی باشد، پس حرام است و اگر با مکروه آمیخته است، مکروه است و اگر شامل مباح است، پس مباح است و اگر دربر دارنده مستحب است، پس مستحب است و قاعده معروفی است به نام «للسائل حکم المقاصد»؛ یعنی برای وسیله‌ها با توجه به نیت و هدف و مقصود آنها حکم می‌شود. علمای اهل سنت و جماعت بدعت را به پنج قسم تقسیم کرده‌اند:

- ۱- بدعت واجب: مانند رد کردن عقاید گروههای منحرف
- ۲- بدعت مستحب: مانند اذان دادن بر مناره‌ها ۳- بدعت مکروه: مانند زینت دادن و آراستن مساجد ۴- بدعت مباح: مانند افزایش رفاه و تنعم در خوردن و نوشیدن ۵- بدعت حرام: فعلی است که تازه پیدا شده و مخالف سنت

۲۱. المصنف، ابن ابی شیبیه، ج ۲، ص ۱۷۲؛ المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۴۲۴.

صحیح است و هیچ‌یک از ادله شرعی آن را شامل نمی‌شود و دربر دارنده هیچ‌گونه مصلحت شرعی نیز نمی‌باشد.^{۲۲} پس هر بدعتی را نمی‌توان حرام دانست و با توجه به آن، نمی‌توان به حرمت برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) حکم داد.

ادله جواز

۱) قرآن کریم

- «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛^{۲۳} «خداوند بر مؤمنان منت نهاد [نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هرچند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند».

آیه اشاره دارد که وجود پیامبر(ص) برای مؤمنان یک نوع نعمت بزرگ به شمار می‌آید؛ زیرا ایشان باعث شد انسان که در گمراهی بود، هدایت شود؛ از آنجا که خداوند این نعمت بزرگ را برای انسان آفریده و به وسیله آن، انسانها از گمراهی نجات پیدا کردند، می‌طلبند به شکرانه آن شادی کنند و جشن بگیرند و این شادی را اظهار کنند. پس چه موقع بهتر از اینکه این جشن در روز میلاد پیامبر(ص) برپا شود، آیا بزرگداشت چنین شخصیتی می‌تواند معصیت باشد؟

- «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ»؛^{۲۴} «این است! و هرکس برنامه‌های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است!».

- «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛^{۲۵} «این است! و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دهاست».

پس چه کسی از شخصیت پیامبر(ص) بزرگ‌تر و نسبت

به او سزاوارتر است که مورد تجلیل قرار گیرد و مسلمانان برایش بزرگداشت برپا نمایند.

- «أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ»؛^{۲۶} «یا اینکه پیامبرشان را نشناختند (و از سوابق او آگاه نیستند)، از این رو او را انکار می‌کنند؟!».

مولودی‌خوانی و بزرگداشت میلاد پیامبر(ص) به شناخت هرچه بیشتر مردم نسبت به ایشان کمک می‌کند و چه بسا اگر این اتفاق نیافتد؛ یعنی جشنی به مناسبت میلاد پیامبر(ص) برگزار نشود، تا نوعی تداعی از پیامبر(ص) در ذهن مردم شکل گیرد، پیامبر(ص) کم‌کم از یادها خواهد رفت و کمتر نزد مؤمنان یاد خواهد شد که خود نوعی زنگ خطر است.

۲) روایات نبوی

- «عَنْ أَبِي قَتَادَةَ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) سئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الْاِثْنَيْنِ؟ قَالَ: ذَاكَ يَوْمٌ وُلِدْتُ فِيهِ، وَيَوْمٌ بُعِثْتُ - أَوْ أُنزِلَ عَلَيَّ فِيهِ»؛^{۲۷} «از پیامبر(ص) در مورد روزه روز دوشنبه سؤال شد؟ فرمود: روزی است که من در آن متولد شدم و روزی است که من در آن به پیامبری مبعوث شدم». با توجه به روایت، پیامبر(ص) به روز میلاد خود افتخار می‌کرد و به آن اهمیت می‌داد و هر دوشنبه به شکرانه آن روزه می‌گرفت؛ پس چه نیکو است که مسلمانان آن روز را بزرگ شاربند.

- «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص)، قَالَ: تَفْتَحُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ، وَيَوْمَ الْخَمِيسِ، فَيُغْفَرُ لِكُلِّ عَبْدٍ لَا يَشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا»؛^{۲۸} «درهای بهشت روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه باز می‌شود و هر بنده‌ای اگر به خدا شرک نرزیده است، گناهانش بخشیده می‌شود».

از آنجا که دوشنبه، روز میلاد پیامبر(ص) است و به خاطر آن درهای بهشت هر دوشنبه باز خواهد شد و خداوند انسانها را می‌آمزد، نشانه بزرگ بودن آن روز نزد خداوند است و می‌طلبند که در چنین روزی به شکرانه میلاد پیامبر(ص) جشن برپا شود.



۲۲. الإعلام، صص ۱۹ و ۲۰.

۲۳. آل عمران، ۱۶۴.

۲۴. حج، ۳۰.

۲۵. حج، ۳۲.

۲۶. مؤمنون، ۶۹.

۲۷. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۱۹.

۲۸. همان، ج ۴، ص ۱۹۸۷.



- «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض)، قَالَ: قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمَدِينَةَ، فَوَجَدَ الْيَهُودَ يَصُومُونَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَسُئِلُوا عَنْ ذَلِكَ؟ فَقَالُوا: هَذَا الْيَوْمُ الَّذِي أَظْهَرَ اللَّهُ فِيهِ مُوسَى، وَبَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى فِرْعَوْنَ، فَنَحْنُ نَصُومُهُ تَعْظِيمًا لَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): نَحْنُ أَوْلَى بِمُوسَى مِنْكُمْ فَأَمَرَ بِصَوْمِهِ»؛^{۲۹} «وقتی پیامبر (ص) وارد مدینه شد و مشاهده کرد که یهود در روز عاشورا روزه می‌گیرند. در این باره از آنها سؤال شد، گفتند: این روزی است که خداوند موسی و بنی اسرائیل را بر فرعون پیروز گرداند، بنابراین ما به خاطر بزرگداشت آن روز، روزه می‌گیریم. پس پیامبر (ص) فرمود: ما نسبت به موسی از آنها سزاوارتریم. پس دستور داد که مسلمانان نیز آن روز را روزه بگیرند».

با توجه به این روایت، اگر خداوند در یک روزی نعمتی به انسان بخشید، یا او را از مهلکه‌ای نجات داد، می‌توان برای بزرگداشت و نکوداشت آن روز و به شکرانه آن نعمت، در هر سال مصادف با آن روز، جشنی برپا کرد، همان‌طور که پیامبر (ص) به شکرانه نجات موسی و قومش از دست فرعون، آن را هر سال بزرگ می‌داشت و در آن روزه می‌گرفت. پس می‌توانیم به شکرانه نعمت بزرگ نبوت و وجود مبارک پیامبر (ص)، آن را هر ساله جشن بگیریم.

- «عَنْ أَنَسٍ (رض) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) عَقَّ عَنْ نَفْسِهِ بَعْدَ النَّبُوءَةِ»؛^{۳۰} «پیامبر (ص) بعد از اینکه به نبوت رسیده بود (دوباره) برای خود، عقیقه انجام داد».

سیوطی در این باره می‌گوید: از آنجا که در روز هفتم تولد پیامبر (ص) پدر بزرگش برای ایشان عقیقه و جشن تولد انجام داده بود و اینکه در شرع فقط یک بار عقیقه انجام می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت این عمل پیامبر (ص) به خاطر شکر خداوند متعال بوده است؛ پس برای ما نیز مستحب است برای میلاد ایشان جمع شویم، غذا بدهیم و شادی کنیم.^{۳۱}

۳) قواعد فقهی

- «الأصل في الأشياء الإباحة حتى يدل الدليل على التحريم»؛ «اصل در اشیاء الإباحة حتى يدل الدليل على التحريم»؛ «اصل در اشیاء مباح بودن آنان است، مگر آنکه دلیلی بر حرام بودن دلالت کند». پس حکم اولیه برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر (ص)، اباحه و جواز است و نیازی به اثبات ندارد، بلکه کسانی که مخالف آن هستند، باید دلیل اقامه کنند.

- «الأصل في العبادات التوقيف والأصل في العادات الإباحة»؛ «اصل در عبادات توقف و منع، و اصل در عادات اباحه است». از آنجا که جشن میلاد به نوعی جزء عادت و رسوم جامعه مسلمانان است، می‌توان گفت حکم اولیه آن اباحه و جواز است، مگر آنکه خلافش ثابت شود و دلیلی بر حرمت آن اقامه گردد.

۴) اجماع فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت

در مورد جواز برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر (ص)، می‌توان نوعی اجماع را از کلام فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت استنباط کرد. برخی از اقوال آنان به شرح زیر است:

- «ابن عابدین» (د ۱۲۵۲ق) از فقهای حنفیه این چنین می‌گوید: می‌دانیم که از بدعت‌های پسندیده مولود شریف پیامبر (ص) در ماهی است که ایشان متولد شده است.^{۳۲}

- «ابن الحاج» (د ۷۳۷ق) از فقهای مالکیه در مورد جواز جشن میلاد پیامبر (ص) می‌گوید: پس بر ماست که روز دوشنبه دوازدهم ربیع الأول را که میلاد پیامبر (ص) است تعظیم کنیم و در آن روز بر عباداتمان بیافزاییم، به دلیل بجا آوردن شکر خداوند متعال و به سبب اعطای نعمتهای بزرگی مانند نعمت بزرگ میلاد پیامبر (ص).^{۳۳}

- «سیوطی» شافعی (د ۹۱۱ق) چنین می‌گوید: از بدعت‌های پسندیده‌ای که به صاحبش اجر می‌رسد، بزرگداشت پیامبر (ص) در روز میلاد ایشان است که در آن روز باید اظهار شادمانی کرد و میلادش را بشارت

۲۹. همان، ج ۲، ص ۷۹۵.

۳۰. السنن الکبری، ج ۹، ص ۵۰۵.

۳۱. الحاوی للفتاوی، ج ۱، ص ۲۳۰.

۳۲. نثر الدرر، ص ۸۷.

۳۳. المدخل، ج ۲، ص ۲.

داد.^{۳۴}

مکرم، و رسالت جهانی و همیشگی ایشان بدانیم، که خداوند او را رحمت عالمین قرار داد، کجای این کار بدعت است؟ و کجای این کار گمراهی است؟».

۵) عقل

الف) ابوهلب کافر که در قرآن سوره‌ای در مذمت او وارد شده و به صراحت قرآن، او و همسرش در آتش جهنم جاودان خواهند بود، در نصوص آمده که وقتی پیامبر(ص) متولد می‌شود، کنیز ابوهلب به وی بشارت تولد محمد(ص) را می‌دهد و ایشان به خاطر این بشارت کنیزش را که «ثَوْبِيَّة» نام داشت آزاد می‌کند و به این خاطر، هر دوشنبه در جهنم از عذاب ابوهلب کاسته و به او تخفیف داده می‌شود.^{۳۹}

وقتی از ابوهلب به خاطر کاری که در روز میلاد پیامبر(ص) انجام داده است، عذاب برداشته و کم می‌شود، چرا ما مسلمانان روز میلاد پیامبر(ص) را جشن بگیریم و به واسطه کارهای پسندیده‌ای که در آن روز انجام می‌دهیم، مانند دعا، استغفار، صلوات بر پیامبر و خاندانش و ... مورد لطف خداوند قرار نگیریم؟

ابن ناصرالدین دمشقی (د ۸۴۲ق) چه زیبا در این مورد سروده است:

إذا كان هذا كافرا جاء ذمه/ بتبت يدها في الجحيم مخلدا
أتى أنه في يوم الإثنين دائما/ يخفف عنه للسرور بأحمدا
فما الظن بالعبد الذي كان عمره/ بأحمد مسرورا و مات
موحدا^{۴۰}

ب) شادمانی به مناسبت میلاد پیامبر(ص) امر مطلوبی است که این آیه قرآن نیز بدان اشاره دارد: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا»؛^{۴۱} «بگو: به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند». پس چه فضیلتی بزرگ‌تر از اینکه در روز میلاد پیامبر(ص) خوشحالی کرد و آن روز را جشن گرفت.

ج) برگزاری جشن میلاد برای پیامبر(ص)، باعث کثرت فرستادن درود و صلوات بر ایشان می‌شود که در شرع امری پسندیده به شمار رفته است. پس برپایی جشن که

- «حضر می» شافعی (د ۹۳۰ق) درباره برپایی جشن در سالروز ولادت آن حضرت، تصریح می‌کند مردم مکه، در شب ولادت حضرت، در مکان ولادت آن حضرت جمع شده و ذکر و ادعیه می‌خواندند و به این محل تبرک می‌جستند. حتی برخی از علمای متأخر نیز بر استحباب این عمل مسلمانان فتوا داده‌اند.^{۳۵}

- «امام یافعی» شافعی (د ۷۶۸ق) معتقد است هرکسی برای مراسم مولودی پیامبر(ص)، برادران دینی‌اش را جمع کند، برای آنها طعامی آماده نماید، و مکانی را برای مراسم آماده سازد و اعمال نیک انجام دهد، و سبب مولودی خوانی و مدیحه‌سرایی شود، خداوند او را در روز قیامت با صدیقان، شهدا و صالحان محشور می‌کند و در بهشت از نعمات الهی بهره‌مند خواهد بود.^{۳۶}

- «ابن تیمیه حرانی» حنبلی (د ۷۲۸ق) چنین می‌گوید: کسانی که از باب بزرگداشت و محبت پیامبر(ص) چیزی را به‌عنوان جشن میلاد پیامبر(ص) اختراع کردند، خداوند آنها را به خاطر این محبت و اجتهاد، اجر و پاداش می‌دهد و نه به خاطر بدعت آن. همچنین می‌گوید: ممکن است برخی از مردم آن را انجام دهند و به خاطر خلوص و حسن نیت و احترام پیامبر(ص)، در آن اجر بزرگی باشد، اما برای برخی از مردم چیزهایی روا و نیک است که برای مؤمن مقید و درستکار شایسته نیست.^{۳۷}

- «یوسف قرضاوی» از علمای معاصر نیز در مورد جشن میلاد پیامبر(ص) در استفتائی این‌گونه پاسخ می‌دهد: «إذا انتهزنا هذه الفرصة للتذكير بسيرة رسول الله(ص)، و بشخصية هذا النبي العظيم، و برسالته العامة الخالدة التي جعلها الله رحمة للعالمين، فأى بدعة في هذا و آية ضلالة؟!»^{۳۸} «اگر ما این فرصت جشن مولود را غنیمتی برای ذکر سیره رسول خدا(ص)، و شخصیت والای نبی

۳۴. الحاوی للفتاوی، ج ۱، ص ۲۲۲.

۳۵. حدائق الأنوار، ج ۱، ص ۱۰۵.

۳۶. إغانة الطالبین، ج ۳، ص ۴۱۵.

۳۷. اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۲۶.

۳۹. شرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۹۵.

۴۰. جامع الآثار، ج ۲، ص ۱۴۰۷.

۴۱. یونس، ۵۸.





زمینه این مهم (یعنی کثرت درود و صلوات) شده است، نیز می‌تواند مشروع باشد.

د) محبت پیامبر(ص) از نظر شرع امری مطلوب، پسندیده و سفارش شده است. یکی از راههای رسیدن به این محبت و ابراز آن، می‌تواند زنده نگه داشتن یاد ایشان و مرور سیره مبارک ایشان باشد، تا آیندگان نیز این حب و دوستی را به فراموشی نسپارند و از این راه (برپایی جشن میلاد پیامبر(ص)) این حب و دوستی و محبت به آیندگان ارث برسد.

ه) پیامبر(ص) در مورد فضیلت روز جمعه و چرایی گرامیداشت آن نزد مسلمانان فرمود: «و فِيهِ خُلِقَ آدَمُ»؛^{۴۲} «و آن روزی است که (حضرت) آدم در آن خلق شده است». یعنی یکی از مسائلی که مسلمانان روز جمعه را عید هفتگی می‌دانند و آن را ارج می‌نهند، به خاطر میلاد یکی از پیامبران الهی به نام حضرت آدم(ع) است. پس چگونه ما روزی را که بهترین پیامبر و سرور همه پیامبران در آن متولد شده است، جشن نگیریم و بزرگ نشماریم؟

۶) ضرورت وحدت اسلامی

از منظر پژوهشگران مقاله، اگر همه دلایل قائلان به جواز برپایی جشن میلاد پیامبر(ص) قابل خدشه و رد باشد، تنها یک دلیل کافی است که گفته شود برپایی جشن و بزرگداشت میلاد پیامبر(ص) جایز است و آن ضرورت وحدت اسلامی در جامعه امروز مسلمانان است.

قاعده فقهی «الضرورات تبيح المحظورات»؛ «ضرورتها باعث مباح شدن امور ممنوعه می‌شود»، بیان می‌دارد هنگام ضرورت، چیزهای محظور و ممنوع شرعی، مباح می‌شود و ضرورت، مستوجب اباحه محظور شرعی می‌شود و از آنجا که امروز جامعه مسلمانان بیش از هر زمان دیگری نیازمند وحدت و یکپارچگی در مقابل دشمنان اسلام است، برپایی جشن میلاد پیامبر(ص) می‌تواند عاملی در جهت استحکام این مهم باشد.

وقتی میلاد پیامبر(ص) فرا می‌رسد و همه مسلمانان در سراسر جهان آن را باشکوه هرچه تمام‌تر برگزار می‌کنند،

دشمنان اسلام خواهند دانست مسلمانان بر سر پیامبر خودشان هرگز مصالحه نخواهند کرد و آن را عاملی در جهت وحدت و یکپارچگی خود می‌دانند، و جرئت نخواهند کرد به پیامبر(ص) توهین کنند، یا نشریاتی مانند «شارلی ابدو» (Charlie Hebdo) و «یولاندز پستن» (Jyllands-Posten) به خود اجازه نمی‌دهند کاریکاتور پیامبر(ص) را بکشند و به ساحت مقدس ایشان توهین کنند، یا کسانی مانند «کورت وسترگارد» (Kurt Westergaard) نخواهند توانست کاریکاتور پیامبر(ص) را نقاشی کنند، و یا کسانی مانند «سام باسیل» (Sam Bassil) به خود اجازه کارگردانی و ساخت فیلم موهن آمیز به ساحت پیامبر(ص) را نمی‌دهند. با توجه به آنچه گذشت، اهمیت و ضرورت برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) به عنوان عاملی در جهت وحدت مسلمانان بیش از پیش آشکار می‌گردد.

نتیجه‌گیری

۱. در مورد جواز یا عدم جواز برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) و گرامیداشت آن، در میان اهل سنت، اختلافاتی به چشم می‌خورد.

۲. با دقت در نصوص و آراء علما و فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت بی‌می‌بریم اکثر آنان قائل به جواز برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) هستند و در این مورد به ادله نقلی و عقلی استناد ورزیده‌اند.

۳. در مقابل، گروهی که عمدتاً از علمای سلفی و معاصر کشور عربستان هستند، آن را جایز ندانسته و قائل به بدعت و حرام بودن آن هستند که به ادله نقلی و عقلی ظنی و قابل خدشه استناد کرده‌اند.

۴. با تفحص در آیات، روایات، و متون فقهی و آراء فقها و علمای اهل سنت، ادله جواز برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) عبارتند از: قرآن کریم، روایات نبوی، قواعد فقهی، اجماع فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت، عقل و ضرورت وحدت اسلامی، و ادله عدم جواز از این قرارند: قرآن کریم، روایات نبوی و عقل.

۵. قول راجح نزد پژوهشگران مقاله، همان قول اکثر اهل سنت یعنی جواز برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر(ص) است؛ زیرا اگر همه ادله نقلی و عقلی جواز هم رد شود، یک دلیل می‌تواند ضعف همه را جبران کند و آن ضرورت وحدت اسلامی است.
۶. امروز جامعه مسلمانان بیش از هر زمان دیگری نیازمند

کتابنامه

- قرآن کریم.
- إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین، عثمان بن محمد بکری دمیاطی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
- الإعتصام، ابراهیم بن موسی شاطبی، عربستان، دار ابن عفان، ۱۴۱۲ق.
- الإعلام بفتاوی أئمة الإسلام حول مولده علیه الصلاة والسلام، سید محمد بن علوی مالکی حسنی، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۶ق.
- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم، احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، بیروت، دار عالم الکتب، ۱۴۱۹ق.
- الأم، محمد بن ادريس شافعی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۰ق.
- الآداب الشرعية و المنح المرعية، محمد ابن مفلح، بی‌جا، عالم الکتب، بی‌تا.
- البحر الزخار، احمد بن عمرو بزار، مدینه، مکتبه العلوم و الحکم؛ بیروت، دارالکتب العلمية، ۲۰۰۹م.
- البداية و النهاية، اسماعیل بن عمر ابن کثیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- ترتيب المدارك و تقريب المسالك، عیاض بن موسی یحصبی، مغرب، مطبعة فضالة - المحمدية، ۱۹۷۰م.
- جامع الآثار فی السیر و مولد المختار، محمد بن عبدالله قیسی دمشقی، قطر، دارالفلاح، ۱۴۳۱ق.
- جامع العلوم و الحکم، عبدالرحمن بن احمد ابن رجب، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۲ق.
- الحاوی للفتاوی، عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴ق.
- حدائق الأنوار و مطالع الأسرار فی سیرة النبی المختار، محمد بن عمر حضرمی، بیروت، دارالمنهاج، ۱۴۳۶ق.
- الرسالة، محمد بن ادريس شافعی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۵ق.
- الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة، عبدالرحمن بن عبدالله سهیلی، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
- سایت رسمی یوسف قرضاوی:
- <http://www.al-qaradawi.net>
- السنن الکبری، احمد بن حسین بیهقی، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۴ق.
- سیر أعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق.
- شرح صحیح البخاری، علی بن خلف ابن بطلال، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۲۳ق.
- صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، دمشق، دارطوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دارإحياء التراث العربی، بی‌تا.
- الفتاوی الکبری، احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۰۸ق.
- القواعد النورانية الفقهية، احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، عربستان، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۲ق.
- مجموع الفتاوی، احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، مدینه، مجمع الملك فهد، ۱۴۱۶ق.
- المدخل، محمد بن محمد ابن الحاج، بی‌جا، دارالتراث،



- بي تا.
- المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، احمد بن على مقریزی، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.
- نثر الدرر على مولد ابن حجر، محمدا مين بن عمر ابن عابدين، بي جا، بي نا، بي تا.
- النهاية في غريب الحديث و الأثر، مبارك بن محمد ابن اثير، بيروت، المكتبة العلمية، ١٣٩٩ق.
- الوجيز في أصول الفقه، عبدالكريم زيدان، تهران، نشر احسان، ١٣٨٥ش.
- المستصفي من علم الأصول، محمد بن محمد غزالي، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٠ق.
- المصنف، عبدالله بن محمد ابن ابي شيبة، رياض، مكتبة الرشد، ١٤٠٩ق.
- المصنف، عبدالرزاق بن همام صنعاني، هند، المجلس العلمي، ١٤٠٣ق.
- المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبراني، قاهره، مكتبة ابن تيمية، ١٤١٥ق.

